

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

بازتایپ توسط: طارق - هوادار (ساما-ادمه دهندگان)

۱۹ دسمبر ۲۰۱۱



در باره اخلاق انقلابی

۱

آدمی از سر آغاز بود خود ، ناگزیر گشته است که با طبیعت – حیوانات و حشی ، آب و هوا و جز اینها – مبارزه کند تا از این راه زنده بماند . هر فرد برای پیروزی در این مبارزه باید بر نیروی شماری بزرگ از مردم ، بر نیروی جمعی و جامعه اتکاء کند. فرد به تنهایی نمی تواند بر طبیعت و معشیت چیره آید. نیز برای بقاء باید تولید کند تا بتواند خوراک و پوشاک به چنگ آورد. تولید نیز باید بر نیروی جمعی و جامعه اتکاء ورزد. فرد به تنهایی نمی تواند تولید کند. با توجه به این که دوران ما متمدن و انقلابی است ، پس فرد باید هر چه بیشتر و در تمام شئون بر نیروی جمعی و جامعه متکی باشد. آدمی نمی تواند درکناری بایستد بلکه باید به نیروی جمعی و جامعه ملحق شود. بنابراین فردگرایی (اندویدوالیزم) نقطه مقابل جمع گرایی (کولکٹیویزم) است، جمع گرایی و سوسیالیزم به طور قطع پای می گیرد و رواج می یابد درحالی که فرد گرایی بدون شک از میانه بر می خیزد. وجه و نیروهای تولید بی وقفه تکامل می یابند و تغییر می کنند، و بر همین سیاق تفکر آدمی و نظامهای اجتماعی و الخ . همه ما آگاهیم که از دیر باز تا کنون ، وجه تولید از بهره جوئی از شاخه ساران درخت و تیرهای

سنگی به ماشینها و برق و انرژی هسته‌ای تکامل یافته است. نظامهای اجتماعی نیز از کمونیزم آغازین به نظام برده داری وزمینداری (فیودالیزم) و سرمایه داری (کاپیتالیسم) پیشرفت کرده است و امروز نزدیک به نیمی از بشریت به سوی جامعه گرائی (سوسیالیسم) و مردم گرائی (کمونیزم) ترقی می کنند. هیچکس نمی تواند این تکامل و ترقی را متوقف کند.

بایپیدائی مالکیت خصوصی جامعه به دو طبقه تقسیم شده است - طبقات استثمار کننده و استثمار شونده - بدینسان تضاد های اجتماعی و مبارزه طبقاتی نیز پدیدار گشته است. هر فردی الزاماً به این یا آن طبقه وابسته است و هیچ کسی نمی تواند خارج از طبقات قرارگیرد. در عین حال هر فرد بازنمون آرمان (ایدیولوژی) خاص طبقه خود است. در جامعه کهن، زمینداران فیودال، سرمایه داران و امپریالیست ها بر دیگر قشرهای اجتماعی، خاصه بر کارگران و دهقانان بیرحمانه ستم روا می داشتند و از آنان بهره می کشیدند. اینان مالکیت عمومی را که به وسیله جامعه تولید میشد چپاول می کردند و آن را به مالکیت خصوصی خویش منضم می نمودند و درآسایش ورفا می زیستند. اما در باب " فضیلت " " آزادی " " دموکراسی " ... مدام یافه می بافتند و غلبه می پرداختند. کارگران و دهقانان و دیگر زحمتکشان، که بار این همه ستمگری و استثمار را برای همیشه تاب نمی توانستند آورد به پا خاستند و انقلاب کردند تا براین شیوه خویشتن را رها سازند و جامعه تبهکار دیرین را به جامعه نیک آئین نوین دگرسان کنند، به آنگونه جامعه ای که تمام زحمتکشان به کامیابی بزیند و در گستره آن بهره کشی فرد از فرد از میانه برخیزد. از برای این که انقلاب مظفر شود، طبقه کارگر - این پیشروترین، آگاهترین، مصمم ترین، منضبط ترین و سازمان یافته ترین طبقه - می بایست با حزب پرولتری به عنوان ستاد آن، انقلاب را رهبری می کرد. این امر به وسیله انقلاب در اتحاد شوروی و دیگر کشور های سوسیالیستی محققاً به بار آمده است. انقلاب کردن و دگرگون ساختن جامعه کهن به جامعه ای نو امری بس افتخار آفرین و در عین حال نیز وظیفه ای بینهایت سنگین و مبارزه ای بس پیچیده، دراز مدت و دشوار است. تنها رهروی توانا می تواند راهی دراز را با باری گران بردوش در نوردد. یک انقلابی باید پای بستی محکم از اخلاق انقلابی داشته باشد تا بتواند وظیفه پر افتخار خود را به تمام انجام دهد. همه ما که زاده و پرورده جامعه کهن بوده ایم. در تفکر و عادات خویش بیش و کم اثرات آن جامعه را با خود حمل می کنیم. بدترین و مخاطره آمیزترین نشانه جامعه دیرین فرد گرائی است. فرد گرائی نقطه مقابل اخلاق انقلابی است. خرد ترین اثر باقی مانده فردگرائی در اولین فرصت رشد می کند.

فضایل انقلابی را بی اثر می نماید و مانع از آن می شود که ما با دل و جان برای آرمان انقلابی مبارزه کنیم. فردگرائی چیزی است سخت خدعه آمیز و غدار؛ به چالاکی فرد را به ورطه تباهی می کشد و همه می دانند که غلتیدن به سراشیب تباهی سهلتر است از بالندگی و ترقی. بی سبب نیست که فردگرائی سخت مخاطره آمیز است. برای زدودن اثرات ناخوشایند جامعه کهن و پروردن فضایل انقلابی باید به مداومت مطالعه کرد و خود را تربیت و اصلاح نمود تا براین پایه پیوسته ترقی کرد. در غیر این صورت واگشت می زنیم و پس می افتیم و عاقبت جامعه رو به پیشرفت پذیرای مان نمی شود. مطلب این نیست که تنها با مدرسه رفتن و حضور در دوره های تعلیمی می توان مطالعه کرد و خویشتن را تربیت و اصلاح نمود در هر فعالیت انقلابی می توان و باید چنین کرد. فعالیت های انقلابی زیرزمینی، قیام عمومی، جنگ مقاومت، بنای کنونی سوسیالیسم در شمال و مبارزه برای تجدید وحدت ملی، آری این همان مدارس عالی است که می توان در آن فضایل انقلابی کسب کرد. اشخاص آراسته به خصایل انقلابی نه از دشواری ها و مشقات بیمی به دل راه می دهند و نه از ناکامیها هراسی دارند؛ نه مردد می شوند و نه گامی پس می گذارند. انقلابیون راستین برای مصالح حزب و انقلاب و طبقه و خلق و نوع بشر در ایثار منافع خاص خویش هیچ

گاه تردید نمی کنند و اگر حتی لازم شود جان خود را فدا می کنند . این است بیان بس روشن و دربرگیرنده از اخلاق انقلابی .

در حزب ما رفقاء تران فیو، نگوجیا تو ، لی هو نگ فونگ ، نگوئین وان کو، هوانگ وان تیو، نگوئین تی مینه خای و بسا اشخاص دیگر هستی خویش را به پای حزب و خلق نثار کردند و بدینسان از دلبستگی کامل عیار نسبت به منافع عمومی و از خودگذشتگی تام و تمام سرمشق های تابناکی برجای نهادند . اشخاص آراسته به فضایل انقلابی ساده و فروتن باقی می مانند و آماده اند با سختیهای بیشتری روبرو شوند حتی به وقتی که با اوضاع دلخواه و کسب پیرزیها مواجه می گردند (پیش از دیگران در غم کارند و بعد از آن در اندیشه تمتع) در این فکر باید بود که وظایف خود را چگونه به نحو احسن انجام داد نه این که چسان بزرگترین پادش را از آن خود کرد. از لاف زنی در خصوص فراهم آورده های گذشته و ادعای امتیازات خاص یا تن سپاری به دیوان سالاری گرائی (بوروکراتیزم) و تکبر و تباهی باید بر حذر بود. این نیز بیانی از اخلاق انقلابی. به اجمال اخلاق انقلابی نکاتی به شرح زیر را دربرمی گیرد. اختصاص زندگی خود به امر مبارزه برای حزب و انقلاب این لازم ترین نکته است . سخت کوشی برای حزب، رعایت انضباط حزبی و اجرای خط و مشی های حزب. مقدم شمردن منافع حزب و زحمتکشان بر منافع فردی خود. خدمت به خلق از جان و دل. مبارزه فارغ از خود برای حزب و مردم و نمونه بودن در هر مورد .

کوشش در مطالعه مارکسیزم – لنینیسم و بهره گیری مستمر از انتقاد از خود و انتقاد به منظور اعتلای سطح ایدئولوژی و بهبود کار خود و ترقی کردن با رفقای همراه خویش .

هر فرد انقلابی باید به ژرفی دریابد که حزب ما پیشروترین و منسجم ترین تشکیلات طبقه کارگر و رهبر این طبقه و به طور کلی رهبر زحمتکشان شمرده می شود . هم این که طبقه کارگرما ، هر چند امروز اندک شماراست ، با گذشت هر روز گسترش می یابد ، در آینده تعاونیها (کوپراتیوها) ی کشاورزی در تمام نقاط سازمان خواهد یافت ، در روستاها از ماشین ها به طور وسیع استفاده خواهد شد و دهقانان ، کارگر خواهند گشت روشنفکران با کاریدی به نحوی احسن آشنائی خواهند یافت و اختلاف میان کارگران فکری ویدی به تدریج از میان بر خواهد خاست . صنایع میهن ما روز به روز پیشرفت خواهد کرد . برین سیاق ، شمار کارگران بیش از پیش افزایش خواهد یافت ، قدرت آنان فزونی خواهد گرفت و در آینده طبقه کارگر بزرگ و افتخار آور می شود . این طبقه، جهان و نیز خود را اصلاح می کند . فرد انقلابی این نکته را باید به روشنی در یابد و بر پایگاه طبقه کارگر با استواری اتکاء ورزد تا بر این مبنا بتواند برای سوسیالیسم و کمونیسم طبقه کارگر و تمام زحمتکشان از قعر وجود مبارزه کند.

اخلاق انقلابی ناظر است بر وفاداری مطلق به حزب و مردم. حزب ما هیچ گونه منافع دیگری مگر منافع طبقه کارگر و زحمتکشان را تعقیب نمی کند.

بنابراین، هدف بلا فصل حزب، مبارزه برای بنای تدریجی سوسیالیسم در شمال و تجدید وحدت کشور است. خلق ما تحت رهبری حزب قهرمانانه پیکار کرده است و سلطه استعماری و فئودالی را بر انداخته و شمال میهن مان را سر به سر آزاد کرده است . این توفیقی عظیم بود . اما انقلاب هنوز یکسره ظفر نمون نشده است، و هدف کنونی حزب مبارزه برای وحدت مجدد ملی است تا ویتنامی صلح جوی ، یک پارچه ، مستقل، دیموکراتیک و کامگار بنا کند و استعمار فرد از فرد را در سراسر کشور از میانه بر اندازد و جامعه نوینی با سعادت و وفور برای همگان بنا کند.

با این حال ، صنایع ما هنوز عقب مانده است. به یمن کمک های بی دریغ کشور های برادر ، پیش از همه اتحاد شوروی و چین ، صنایع رشد می یابد . کارگران ما ، تلاش خویش برای موفقیت ، باید بایکدیگر هم چشمی کنند و کوشش ورزند که بیش از پیش و سریع تر و بهتر از لحاظ اقتصادی با صرفه تر تولید کنند، انضباط کاری را رعایت

نمایند و در مدیریت اقدامات مهم خود فعلا نه شرکت بجویند: ما باید در مقابل اسراف و حیف و میل ایستادگی کنیم و کادرهای ما باید فی الواقع ساعی ، صرفه جو ، صادق و راست کردار باشند و در کار به کارگران ملحق شوند. زمین به روستائیان ما تخصیص یافته و زندگی آنان تا اندازه ها بهتر شده است لکن وجه تولید هنوز پراکنده و پس افتاده است؛ از همین روی محصولات هنوز چندان افزایش نیافته و شرایط زندگی اندک بهبودی یافته است . جنبش برپا کردن تیم های مبادله کار و کوپراتیوها در روستا های ما باید به وسعت و استواری به جلو سوق داده شوند تا افزایش ثابته در تولید پدید آید ؛ و تنها در این صورت دهقانان ما می توانند از فقر برهند و برای العین ببینند که شرایط زندگیشان بهبود یافته است. بنابراین ، اخلاق انقلابی بر تلاش فراوان برای رسیدن به هدف حزب و خدمتگزاری فداکارانه به طبقه کارگر و زحمتکشان و عدم تزلزل همیشگی استوار است . اکثر اعضای حزب و اتحادیه جوانان کارگر و بیشتر کادرها از چنین خطی پیروی کرده اند ، اما برخی نکرده اند . آنان به خطا چنین می پندارند که حالا که استعمارگران و هوادارن فیودال ها در شمال کلکشان کنده شده، انقلاب با موفقیت پیاده شده است ، به همین علت آنها می گذارند فردگرایی در درونشان پروپا بگیرد و طالب تمتع و استراحت می شوند و میل دارند انتخاب کار به عهده خودشان باشد ، به عوض این که وظایفی را که از جانب سازمانشان به آنها محول شده انجام دهند. اینان خواستار مناصب عالی اند اما از مسؤلیت ها طفره می زنند . رزمندگی و کار – میانه آنان رفته رفته کاستی می گیرد و بر همین روال شجاعت انقلابی و فضایل اصلی شان – اینان از یاد می برند که ملاک عمده یک انقلابی عزم قاطع اوست برای مبارزه در تمام طول زندگیش برای حزب و انقلاب . ما باید درک کنیم که موفقیت هائی که تاکنون حاصل کرده ایم تنها گام های اولیه ای است در جاده ای هزار فرسنگی . ما باید فراتر پیش رویم ، انقلاب باید گسترده تر بالنده شود. وگرنه، واگشت خواهیم کرد و توفیق هائی که به دست آورده ایم نمی تواند با هم پیوسته و بسط یابنده باشند . برای پیشروی به سوی سوسیالیزم باید مبارزه ای دراز آهنگ و سخت را پی گیریم ما باید اشخاص انقلابی داشته باشیم ، چرا که هنوز دشمنان کمین کرده اند و اینان به انقلاب سر مخالفت دارند.

ادامه دارد